

بنام خداوند جان و خرد

مسئله آینده سیاسی عراق و اثرات آن بر کشورهای منطقه

مسئله آینده سیاسی عراق و پی آمدهای آن جهانیان را دچار نوعی انتظار توأم با نگرانی نموده است. از یک سو، برخورد با رژیم صدام حسین تبدیل به یک مسئله حیثیت ملی برای آمریکا شده، به این معنی که عقب نشینی از آن شکست سیاسی سنگین برای دولت بوش، پیروزی برای صدام حسین و موفقیت دیپلماسی برای مخالفان حمله نظامی چون فرانسه، آلمان و غیره تلقی خواهد شد. از سوی دیگر، آمریکا که پس از رویداد ۱۱ سپتامبر همراهی و همدردی جهانیان، به ویژه دوستان اروپایی خود، را در پی داشت و اعلام تصمیمات آمریکا ناظر به سرکوبی شبکه تروریستی القاعده و رژیم طالبان، سپس عراق با ابراز موافقت، تأیید ضمنی و یا سکوت آنها روپرو شده بود، بتدریج به سبب برخورد گزینشی با مسئله تروریسم بین المللی، رفتار خوشنتر با زندانیان القاعده و نادیده انگاشتن مقررات ژنو، عدم ارائه دلایل قانع کننده در رابطه با انباشت سلاحهای کشتار جمعی در عراق و ارتباط این دولت با شبکه القاعده و بالاخره دیپلماسی زیرکانه صدام دایر به تعلل، تأخیر، پذیرش نهایی و آمادگی برای همکاری با بازرسان سازمان ملل، همه و همه موجب گردید که حمله نظامی یکجانبه آمریکا علیه عراق با تردیها و انتقاداتی روپرو گردد، چنانکه برخی از دولتها منجمله دوستان آمریکا خواهان آن شدند که اقدامات نظامی از طریق طرح موضوع در شورای امنیت سازمان ملل متحد و اجازه این ارگان صورت گیرد. حتی در این مورد، برخی از دولتهای عضو اتحادیه اروپا چون فرانسه، آلمان، سوئد، نروژ و دانمارک، که در گذشته همراه و همگام با آمریکا بودند، رسماً مخالفت خود را با حمله نظامی یکجانبه و خارج از تأییدیه شورای امنیت اعلام داشته اند. مضافاً آنکه نتایج پژوهش بازرسان سازمان ملل و آژانس بین المللی انرژی اتمی نیز نتوانست آنچه که باید و شاید نظرات مورد انتظار آمریکا را تأمین نماید.

بدیهی است در صورتیکه آمریکا موفق شود با افشای اطلاعات بدست آمده، فریکاری رژیم عراق را مسجل سازد، مواضع مخالفان حمله به عراق تغییر خواهد کرد. با وجود این، آمریکا اقدامات نظامی آتی خود را ولو آنکه به تنهایی انجام گیرد بدلیل ذیل موجه و ضروری

میداند:

۱- کارنامه سیاسی رژیم صدام حسین حاکی از تجاوزهای مکرر به همسایگان، نقض تعهدات بین المللی، اعم از دوجانبه و چندجانبه، کاربرد سلاحهای کشتار جمعی علیه دیگران و شهروندان خود.

۲- ادامه رژیم صدام تهدیدی برای منطقه و صلح جهانی و زیانبار برای مردم خود عراق می باشد. در خصوص نکته اخیر، بوش در پیام کنگره درباره وضع موجود ایالت متحده اشعار داشت که "مردم عراق از خارج در مظان تهدید نیستند، بلکه از داخل در اسارت حکومتی هستند که رفتار و کردار آن را جز دشمنی با مردم خود نمی توان تعبیر نمود."

۳- ادعای آمریکا که دلایل کافی برای فریکاریهای صدام دارد که بموقع افشاء خواهد نمود.

۴- هدف قطعنامه ۱۴۴۱ شورای امنیت نظارت بر خلع سلاح کامل عراق است، حال آنکه گزارش ارسالی دولت عراق چیزی جز نقض فاحش اصول مورد قطعنامه مزبور نیست و گزارشهای بازرسان سازمان ملل نیز تا حدودی مؤید این واقعیت است.

۵- برنامه تعدید مأموریت هیئت بازرسان سازمان ملل درخواستی برخی از دولتها نباید از چند هفته بیشتر باشد.

۶- آمریکا در عین حال با حل سیاسی مسئله مخالفتی نداشته است و به همین جهت با نظر مساعد برنامه "تهاجم صلح" را که به اهتمام ترکیه و دیگر همسایگان عراق در تهران و آنکارا برگزار گردید مورد توجه قرار داده است.

بدیهی است نافرجامی مساعی مزبور بهانه موجه شدن اقدامات نظامی آتی آمریکا خواهد بود. با توجه به دلایل مورد استناد آمریکا از یک سو، و حضور سنگین و گسترده ناوگان دریایی و نیروهای نظامی آن در منطقه خلیج فارس و پایگاههای واقع در حاشیه منطقه از سوی دیگر، حاکی از آنست که آمریکا، به ظن غالب، در صدد تهاجم نظامی علیه عراق می باشد. در این رابطه، پژوهشگران مسائل بین المللی هدف های مورد نظر آمریکا از حمله به عراق را به شرح ذیل تبیین نموده اند:

الف- دسترسی و کنترل منابع غنی نفتی عراق از جمله تأمین نیازهای نفتی خود آمریکا.
ب- کاهش وابستگی به نفت عربستان

سعودی و ایجاد امکانات آزادی عمل برای انجام مانورهای سیاسی آتی مورد نظر در منطقه.

ج- کنترل کامل بروی کانون استراتژیک انرژی، منطقه خلیج فارس و دریای مازندران و آسیای مرکزی.

د- در دست داشتن اهرم فشار مؤثر انرژی در قبال رقبات اقتصادی چون اتحادیه اروپا، ژاپن و دیگران. بویژه که با پدیدار شدن نشانه های تفاوت در مشی سیاسی، اقتصادی میان اتحادیه اروپا و آمریکا، کاربرد و بهره گیری از اهرم انرژی را بیش از پیش ضروری ساخته است.

ه- اعمال نفوذ غیر مستقیم بر تصمیمات اوپک و تضعیف این نهاد.

و- تحکم موقعیت سیاسی و استراتژیک خود در منطقه و استفاده از موفقیت جدید جهت تحقق مقاصد ذیل:

اعمال نفوذ و فشار بیشتر بر سوریه و فلسطین، از جمله تغییر در ساختار رهبری فلسطین به منظور پذیرش طرحهای احتمالی صلح آینده.

تغییر در ساختار سیاسی کشورهای منطقه در راستای دمکراتیزه کردن آنها.

بدیهی است هدف مذکور بستگی به ماهیت و ساختار ترتیبات سیاسی آینده عراق دارد که بدون شک عکس العمل یکسانی در منطقه نخواهد داشت. در این مورد در پرتو شرایط و اوضاع احوال وقت عراق، الگوهای سیاسی ذیل قابل پیش بینی است:

۱- تغییر رژیم عراق بدون جنگ از طریق تسلیم، برکناری و خروج صدام حسین از عراق.

۲- انجام کودتای نظامی در عراق.

۳- توسل به برقراری نظام های غیر دموکراتیک در صورت مواجهه با بن بست سیاسی داخل در عراق.

۴- در صورت عدم حصول توافق بین گروههای مخالف رژیم عراق، ایجاد ترتیبات سیاسی موقتی به اهتمام خود آمریکا زیر نظر یک ژنرال از این کشور.

۵- تجزیه عراق.

۶- ایجاد نظام فدرالیسم دمکراتیک.

فهرست مطالب

مسئله آینده سیاسی عراق و اثرات آن بر کشورهای منطقه ۱

کارنامه مجلس ۲

حقوق ملت ایران در دریای مازندران ۳

باید با کشورهای ساحلی دریای مازندران وارد مذاکره شویم، موضع گیری در مقابل توافق های دو جانبه، از دست دادن وقت است ۳

توبه فرمایان چرا خود توبه کمتر می کنند؟ ۵

تبعات مخالفت با همه پرسی برای محافظه کاران ۵

بخش افراطی مخالفان اصلاحات به کودتای اندیشد ۵

سالانه سه میلیارد دلار فرار سرمایه از ایران صورت میگیرد ۵

جوانان در سالهای اخیر از نظر مذهبی افت داشته اند

یادمان علی اردلان ۶

بیزاری از دموکراسی! ۶

حکم مجریان قتل های سیاسی زنجیره ای را قطعی ساختید، با قضاوت افکار عمومی یک ملت چه خواهید کرد ۶

مصدق و حاکمیت ملت ۶